

# ۵ استراتژی مهار چهارگانه

محمد خاکی نهاد<sup>x</sup>

## مقدمه

باراک اوباما با شعار تغییر در انتخابات پیروز شد در همین راستا آمریکا جدول زمان بندی خروج نیروهای خود از عراق را اعلام کرد، اما بر خلاف عراق در رابطه با افغانستان اوباما نه تنها برنامه‌ای برای خروج از این کشور ارائه نکرد بلکه تصمیم اعزام ۱۷ هزار نیروی دیگر به افغانستان را نیز اعلام نمود. هیلاری کلinton نیز بر حضور طولانی مدت نیروهای آمریکایی در افغانستان تاکید نمود. با این اوصاف این سوال مطرح می‌شود که چرا آمریکا علی‌رغم شعار تغییر و خروج از عراق تصمیمی برای خروج از افغانستان اتخاذ نکرده است؟

برای پاسخ به این سوال باید نگاه دقیقی به وضعیت ژئوپلیتیکی افغانستان داشت. به خصوص که افغانستان در مجاورت و نزدیکی چهار کشور چین، هند، ایران و روسیه (کشورهای ج.ا.و.ر) قرار دارد. در واقع افغانستان دارای موقعیت ژئوپلیتیکی و نظامی مهمی است که آمریکا به هیچ وجه نمی‌خواهد آن را از دست بدهد.

## افغانستان و چین؛ کنترل رقیب اقتصادی

از مناطق شمال شرق افغانستان به ایغورستان چین راه‌های زمینی وجود دارد که به علت کوهستانی و صعب العبور بودن آن برای فعالیت‌های چریکی بسیار مناسب می‌باشد. سرزمین وسیع ایغورستان در اصل متعلق به چین نیست، بلکه میراث امپراتوری مغول‌ها است که به تصرف مائوئیست‌ها درآمد. دولت چین با ایغورهای مسلمان و ترک نژاد مشکلاتی دارد، تجربه تاریخی نشان داده است که ایغورها برخلاف تبتی‌ها قومی سلحشور هستند. به عبارتی احتمال جنگ و درگیری تبتی‌ها با چین کم است ولی ایغورها ممکن است وارد کارزار با چین شوند. آمریکا می‌تواند از افغانستان به جنگجویان ایغور کمک مالی و نظامی کند و چین را تحت فشار قرار داده و گناه آن را به گردن افراطیون و مجاهدان افغانی بیاندازد.

در رابطه با نگاه آمریکایی‌ها به چین باید به مقاله هانتینگتون در این مورد اشاره نمود که این کشور را خطرناک‌ترین رقیب بالقوه آمریکا دانسته است. تجارت، حقوق بشر، فروش اسلحه، گسترش سلاح‌های کشتار جمعی، تبت، تایوان و... از جمله مواردی است که هانتینگتون در یادداشت خود از آن به عنوان چالش‌های موجود در روابط آمریکا و

چین یاد کرده است. لذا بر اساس نظر هانتینگتون ضربه زدن به چین می‌تواند برای آمریکا بسیار پر اهمیت باشد.

## افغانستان و هند؛ فرسایش یک رقابت

علاو بر چین در مقاله هانتینگتون به هند و برخی دیگر از قدرت‌های منطقه ای نیز به عنوان اهدافی که طمع و حس اعمال قدرت و برتری آمریکا را بر می‌انگیزد اشاره شده است. هانتینگتون بر این باور است که نگاه هندی‌ها و دیگر قدرت‌های منطقه ای به آمریکا نگاهی پر از تهدید و بی اعتمادی است.

در این بین در حالی که هندی‌ها با کشمیری‌ها مشکلات خاصی دارند، افغان‌ها در مجاورت با مسلمان کشمیر قرار دارند. این موضوع وقتی مهم می‌شود که دریابیم هند به لحاظ قومی منسجم نیست. در واقع می‌توان گفت که در میان اقوام مختلف هند، تنها مسلمانان هستند که حاضر به کارزار با نیروهای دولتی هند می‌باشند. لذا اگر به جنگ جویان کشمیر کمک مالی و نظامی شود، ممکن است بحرانی طولانی مدت در شبه قاره هند بوجود آید.

افغانستان بهتر از پاکستان می‌تواند عهده‌دار این نقش باشد؛ چرا که پاکستان به دلیل داشتن مرز طولانی و همسایگی با هندوستان، خود را در معرض تهدید و انتقام جویی این کشور می‌بیند. لذا پاکستان دارای محدودیت است، ولی نیروهای کشمیری می‌توانند در افغانستان پایگاه داشته باشند و از حمایت مجاهدان افغانی برخوردار باشند. با این روش نظامی - سیاسی، هند تحت فشار قرار خواهد گرفت و برای ورود به جرگه ابرقدرت‌ها و رقابت با سایر قدرت‌های جهانی با مشکلات فرسایشی مواجه خواهد شد.

## افغانستان و ایران؛ به راه انداختن تنش

از نظر آمریکا ایران نباید نماینده جهان اسلام و مدافع منافع کشورهای اسلامی بخصوص خاورمیانه باشد. آمریکا همواره در صدد مهار و ضربه زدن به جمهوری اسلامی ایران بوده است و اعلام کرده که در راستای مهار ایران حتی ابزارهای نظامی و تجهیز مخالفان نیز برای آمریکا قابل استفاده می‌باشد.

افغانستان با ایران و مناطق سنی نشین آن همسایه است. آمریکا می‌تواند از افغانستان به گروه‌های سلفی معارض با جمهوری اسلامی ایران کمک مالی و نظامی نماید. هم اکنون گروه‌های تروریستی سلفی مانند گروه‌گک تروریستی «جندالله» به سرکردگی ریگی در برخی مناطق سنی نشین ایران

فعالیت می‌کنند. این گروهک دارای مخفی گاه‌هایی در داخل خاک افغانستان می‌باشد. تروریست‌های جندالله به دفعات پس از انجام عملیات و کشتار در شهرهای ایران به مخفی گاه‌های خود در افغانستان و مناطق همجوار آن خزیده اند. علاوه بر گروهک تروریستی جند الله، جنگجویان طالبان نیز می‌توانند با فشاری که به شیعیان در افغانستان و پاکستان وارد می‌کنند، آتش خشم شیعیان ایران را شعله ور کنند و ایران را به درگیری‌های قومی و مذهبی در افغانستان و پاکستان و حتی جنگ مذهبی در داخل خود ایران بکشانند.

در این صورت آمریکا می‌تواند ایران را از تعقیب آرمان مصالح جهان اسلام باز دارد و مشغول جنگ شیعه و سنی نماید. همچنین در صورت تحقق این وضعیت گناه تروریسم و آدم‌کشی به گردن مسلمانان و اختلافات شیعه و سنی خواهد افتاد. با این روش آمریکا می‌تواند با موج گسترده گرایش به اسلام در جهان مقابله کند.

### افغانستان و روسیه؛ تعقیب طرح تجزیه

از سرتاسر مناطق شمالی افغانستان مسیری‌های مختلفی به دره فرغانه و جمهوری‌های ترک نژاد و مسلمان آسیای مرکزی و روسیه وجود دارد. دره فرغانه میان ازبکستان، قرقیزستان، تاجیکستان و قزاقستان قرار دارد و کانون گروه‌های سلفی و افراطی آسیای مرکزی است. همچنین دولت‌های آسیای مرکزی دارای اقتدار و حاکمیت مطلق و کاملی بر سرزمین‌های پهناور خود نیستند. با این وجود آمریکا می‌تواند بواسطه افغانستان گروه‌های سلفی را در فرغانه و دیگر مناطق آسیای مرکزی تجهیز و تقویت کند و از طریق آنان نیز به مجاهدین در جمهوری‌های مسلمان نشین روسیه کمک مالی و نظامی نماید. اگر در روسیه قومی یافت شود که حاضر به کارزار باشد حتماً ترک‌های مسلمان خواهند بود؛ چرا که می‌توان با استفاده از تبعیضات نژادی و سیاسی که نسبت به مسلمانان در روسیه وجود دارد، زمینه سوء تفاهات را بین مسلمانان و قدرت حاکمه فراهم کرد و به اغتشاشات طولانی مدت دامن زد. می‌توان گفت افغانستان پایگاهی برای آموزش نیروهای تروریستی و پشتیبانی مالی و تسهیلاتی از آنها خواهد بود تا به دولت روسیه فشار وارد شود. اگر این برنامه خوب پیاده شود می‌تواند به تجزیه روسیه منجر شود که در نتیجه آن، استراتژی گالیوری آمریکا در زمینه تجزیه و کوچک‌سازی کشورهای بزرگ، در رابطه با روسیه محقق می‌شود. که این امر برای آمریکا و انگلیس بسیار مطلوب خواهد بود.

### افغانستان و تولید و قاچاق مواد مخدر

اشاره به این نکته ضروری است که تولید و قاچاق مواد مخدر یکی از منابع اصلی تامین نیروهای طالبان و القائده است. بعد از حضور آمریکا تولید مواد مخدر در افغانستان نه تنها کاهش نیافت، بلکه بیست برابر هم

افزایش یافته است. پر واضح است که قاچاق مواد مخدر از افغانستان به کشورهای همجوار مانند ایران، روسیه، چین و هند ضربات سختی به جوامع آنها می‌زند. لذا می‌توان مواد مخدر را یکی از ابزارهای مهار قدرت‌های چهار دانست.

### نتیجه‌گیری

با توجه به موارد یاد شده افغانستان دارای موقعیت ژئوپلیتیکی و نظامی مهمی است که آمریکا از طریق آن می‌تواند به چهار رقیب قدرتمند خویش یعنی چین، هند، ایران و روسیه فشار بیاورد. آمریکا به بهانه دستگیری اسامه بن لادن و سرکوب طالبان در افغانستان مستقر شد، اما علیرغم داشتن ارتش و سازمان جاسوسی قوی، اظهار می‌کند که نمی‌تواند القاعده و طالبان را نابود کند. چنانچه آمریکا وارد افغانستان نمی‌شد این امکان برای چین، هند، ایران و روسیه وجود داشت که با همکاری هم طالبان را نابود کنند و مانع از تولید مواد مخدر شوند. اما آمریکا با استقرار در افغانستان عملاً مانع از هرگونه اقدام احتمالی این چهار قدرت برای نابودی طالبان و جلوگیری از تولید مواد مخدر در افغانستان شده است. با این اوصاف می‌توان این احتمال را مطرح نمود که آمریکا طالبان را برای ضربه زدن به قدرت‌های چهار (چین، هند، ایران و روسیه) در افغانستان مستقر کرد و پس از آن که امکان افزایش فشارهای چهار قدرت مذکور علیه طالبان و همکاری آنها برای سرکوب آن رژیم قوت می‌گرفت، آمریکا پیش دستی کرده و برای ممانعت از نابودی کامل طالبان وارد افغانستان شده است.

بنابراین آمریکا علاقه‌مند به استقرار طولانی مدت در افغانستان است. برای این کار با طالبان و سلفی‌ها همکاری می‌کند و افغان‌های بسیاری را در دانشگاه‌های خود آموزش می‌دهد تا در آینده افغانستان جای پا داشته باشد. آمریکا به وسیله امثال طالبان نه تنها می‌تواند خود را از دست داشتن در این جنایات مبرا کند، بلکه خود را به عنوان کشوری پیشتاز در امر مبارزه با پدیده تروریسم کور نیز مطرح می‌نماید.

به طور کلی اهمیت افغانستان در تحقق استراتژی مهار چهارگانه به اندازه ای برای آمریکا زیاد است که باراک اوباما با آن همه کوبیدن بر طبل تغییر، اعلام می‌کند از عراق خارج می‌شویم اما از افغانستان نه تنها خارج نمی‌شویم، بلکه نیروهای خود را در آن کشور افزایش هم می‌دهیم.

<sup>x</sup> دانشجوی کارشناسی روابط دی‌پلماتیک